

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۱.۰۸.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟ (۸۱)

زندانی در موسی قلعه:

به تاریخ ۷ اگست یک زندانی در زندان ولسوالی موسی قلعه دو زندانی و دو سرباز امریکائی را کشت. این زندانی که سلاح پولیس محافظ را گرفته بود دو زندانی را به قتل رساند و حینیکه دوتن از سربازان نیروی دریائی امریکا وارد زندان شدند، آن دو را نیز به قتل رساند و سه تن دیگر ازین سربازان را شدیداً زخمی ساخت. این زندانی بعد با فیر های سربازان امریکائی به قتل رسید. حوادث زندان یکی از حوادث مهم سالهای اخیر در افغانستان بوده است و چون بسیاری از زندانیان بی آنکه جرم ثابتی داشته باشند برای سالها در زندان ها نگهداری میشوند، لذا دست به چنین کاری میزنند. در رابطه با این مسأله و کشته و زخمی شدن این همه سرباز امریکائی تا حال امریکائی ها چیزی نگفته و طالبان نیز درین مورد مسؤولیت نگرفته اند.

یک قومندان اربکی کشته شد:

شب ۷ اگست یک قومندان اربکی با ۵ تن از افرادش در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز به قتل رسید. این قومندان که حسین نام داشت یکی از جنایتکاران جهادی بود که درین شب مورد حمله قرار گرفت و با پنج تن از همپالگی های مسلحش به قتل رسید. اینکه این قومندان را کی کشته تا حال روشن نشده و طالبان نیز مسؤولیت این قتل را به عهده نگرفته و چون بعد از قتل سلاح های شان هم برده نشده، لذا بسیاری به این باور اند که این قتل نه به وسیله افراد طالبان که باید مخالفان داره ای این قومندان او و یاران جنایتکارش را به قتل رسانده باشند. اربکی بخشی از نیرو های است که ظاهراً به نام قوم و قبیله ساخته میشود و آنرا پولیس محلی نام گذاشته اند. اما در حقیقت اینان افراد بیکار و جنایتکاریست که گذشته های خونین و لومپانه دارند و نیروهای اشغالگر میخواهند ازینان در جنگ کنونی استفاده کنند. اکنون ازین اربکی ها در خوست، لوگر، وردک و کندز ساخته شده و تصمیم بر این است تا در بسیاری از ولایات افغانستان گسترش پیدا کند. با این که اکثر مردم تجارب ملیشیای جنایتکار دوران اشغال شوروی ها را دارند و ازین بابت تشویش دارند که بار دیگر جنایتکاران دوستمی احیاء خواهد شد. اما خارجی ها به این اعتراض مردم کوچکترین توجهی نداشته و به خیال خود و سیاست های اشغالگرانه شان حرکت میکنند و چون

لومپن ها برای پیاده نمودن سیاست های اشغالگرانه مساعد اند، لذا این کار برایشان بسیار آسان میباشد. مردم کندز پیوسته از احیای اربکی در ولایت شان به شدت شکایت دارند و این را هر روز با رسانه ها مطرح میسازند و اکنون در ولسوالی های چهاردره و امام صاحب این اربکی ها قدرت اصلی را در دست دارند و با اینکه روز زیر کنترل وزارت داخله و پولیس ولایت ظاهراً قرار دارند، اما شبانه دست به غارت دارائی های مردم زده، مخصوصاً که ولسوالی چهار دره به شهر کندز نزدیک است، اربکی ها با موتر های مسلح به شهر آمده و دست به آزار و انزیت مردم میزنند و زور کسی هم به آنان نمیرسد.

طی چند سال گذشته ازین قومندانان در شمال افغانستان تعداد زیادی به قتل رسیده که نتیجه اختلافات میان قومندانان جهادی در گذشته بوده و حال که برای هریک فرصت مساعد شد، دیگری را به رگبار میبندند و تا حال قاتل یکی ازین ها هم پیدا نشده و دولت قادر نیست که رقابت های خونین گذشته میان اینان را مهار سازد و تا حال در مرگ این جنایتکاران کسی کوچکترین افسوسی نکرده و بعد از مرگ شان میگویند که چقدر جنایت کرده بود و به چه پیمانه خون ریخته بود و در هرجائی از گذشته شان یاد میشود. این قتل ها بیشتر در بغلان، کندز، کابل و شمالی اتفاق افتاده و مطمئناً وقتی قومندان حسین در کندز سلاح گرفته، حریفان گذشته ازین بابت به تشویش شده و قبل از آنکه حسین بتواند برای آنان ضرری ایجاد کند، دست به کار شده، او و چوکره هایش را از میان بر داشتند. در صورتی که این اربکی سازی در سطح کل کشور گسترش پیدا کند، ما شاهد دهها قتل و کشتار ازین نوع خواهیم بود و بر مرگ آنان هیچ اشکی ریخته نخواهد شد.

قتل ده تن در شمال کشور:

به تاریخ ۸ اگست یک گروپ ده نفری مربوط به مؤسسه «آی او ام» در مسیر راه کران و منجان به کابل توسط افراد مسلح و جنایتکار حزب اسلامی دستگیر و بعد هر ده تن به قتل رسیدند. در میان این ده نفر دو افغان و ۸ خارجی حضور داشت. حزب اسلامی بعد ازین کشتار اعلان کرد که این جمع اوراق تبلیغاتی عیسویت را با خود داشتند و کار شان تغییر دادن دین مردم افغانستان و به عیسویت گرائیدن بوده است. مؤسسه «ای او ام» یکی از مؤسسات بسیار مهم در افغانستان است. تمام افغانهایی که از خارج به افغانستان فرستاده می شوند و به عنوان متخصص و کاردان و تکنوکرات وارد افغانستان میشوند، علاوه به معاش دولتی معاش های خارجی هم دارند و این معاش ها از طریق این مؤسسه پرداخت میشود و علاوه به کار های ظاهراً باز سازی نیز در افغانستان مصروف میباشند. این گروپ دو نفری با کمک این مؤسسه در نورستان یک کلینیک نیز ایجاد کرده و به مردم افغانستان «خدمت» میکردند و تصمیم داشتند که کار شان را از نورستان به بدخشان نیز گسترش دهند که در راه کشته شدند. یکی ازین افراد یک مرد امریکائی به نام اریک بود که از ده سال به اینسو در نورستان جا به جا شده و کار های خود را سازماندهی میکرد و به این خاطر در مرگ او بسیاری از سران انجو غمگین شدند. کار این افراد برای همه در نورستان و بدخشان مشکوک بود و هرگز با عیسویت و کار عیسوی سازی مربوط نبودند. حزب جنایتکار و خونریز اسلامی گلبدین به خاطریکه احساسات مردم را درین مورد تحریک و خود را موفق نشان دهد به دروغ چنین اسنادی را منتشر ساخت، مگر با هیچ خوشبینی و واکنش مثبت مردم رو به رو نشد، چون مردم افغانستان میدانند که امروز مشکل اصلی مردم نه عیسوی و اسلام که مشکل اصلی آنان کار این جاسوسان در افغانستان و عملکرد جنایتکاران تنظیمی چون حزب اسلامی میباشد.

تا جائیکه از روابط و عملکرد قبلی اریک بر می آید، این عملیات را باید بخشی از درگیری ها و تصفیه های درونی نهاد های استخباراتی رقیب به شمار آورد. هرچند مسؤولیت عملیات را جنایتکاران گلبدینی به دوش گرفته اند مگر نقش نهاد های استخباراتی حریف از ایران و پاکستان گرفته تا چین و روسیه را نیز نمی توان در زمینه منتفی دانست.

دستگیری طالبان تاجکستانی:

به تاریخ ۹ اگست سه طالب تاجکستانی در منطقه آفتاش ولسوالی خان آباد توسط پولیس دستگیر شدند. اینان که در مدارس دینی پاکستان درس خوانده اند، مدتی قبل در یک حمله درین ولسوالی شرکت داشته اند و از آنان یک میل کلاشینکوف هم به دست آمده است. از چندی به اینسو رفت و آمد طالب های ازبک و تاجک در افغانستان زیاد شده و اینان که در مدارس پاکستان آموزش ایدیولوژیک می بینند، بعد به افغانستان آمده و مخصوصاً در شمال جا به جا شده، مدتی به ترپینگ سلاح میپردازند و بعد به سوی کشور های شان روان میشوند. این بخشی از برنامه وسیع بنیاد گرائی است که آسیای میانه را با ۵۰ میلیون مسلمان هدف قرار داده است و به این صورت اگر از یکطرف در شرایط کنونی افغانستان به محل آزمایش سلاح های غربی مبدل شده و ازین طریق مشتری ها را به سوی خود جلب میکنند و تا حال ۶۵۰۰ فقره سلاح در افغانستان آزمایش شده از سوی دیگر بنیاد گرائی اسلامی نیز درین منطقه آموزش نظامی و ایدیولوژیک پیدا کرده و هردو با اینکه ظاهراً در برابر یکدیگر قرار دارند، اما در عمل هر دو به امپریالیزم و اشغال و استعمار منطقه ئی و یا قاره ئی امپریالیست ها کمک میکند.

عمل انتحاری در هرات:

به روز ۹ اگست در یک عمل انتحاری در مسیر راه میدان هوایی شهر هرات چهار پولیس کشته و یک افسر پولیس شدیداً زخمی شد. در میان این پولیس ها یکی پولیس زن بود که او هم درین انفجار جان باخت. مسیر راه میدان هوایی – شهر هرات که از دو ولسوالی میگذرد، یکی از گذرگاه های خطرناک برای رفت و آمد نیرو های امنیتی این ولایت به حساب می آید و درین چند سال تا حال بار ها چنین عملیاتی درین راه صورت گرفته است. چون این راه دور و دراز که از میان بازار های ممتد، خانه ها و باغ ها و درختان انبوه ناجو می گذرد کمتر قابل کنترل بوده و طالبان به آسانی عملیات شان را به سر رسانده میتواند. این عمل انتحاری که فردی به بدن خود مواد انفجاری بسته بود با رسیدن موتر پولیس خود را به آن نزدیک کرد و انفجار مهیبی به پا شد که چهار پولیس را به کام مرگ برد. همچنان درین روز در قندهار نیز موتر سیکلی که مواد منفجره بر آن بسته شده بود با رسیدن کاروان موتر های پولیس از راه دور انفجار داده شد که در اثر انفجار یک پولیس زخمی شد و به دیگران آسیبی نرسید. در همین حال بر اثر یک مین در مسیر راه موترپولیس که زندانیان را منتقل میکرد در منطقه ده خواجه قندهار انفجاری صورت گرفت که در آن یک سواری موتر کشته و یک ریش سفید رهگذر شدیداً زخمی شد. شهر قندهار یکی از شهر های نا امن افغانستان برای خارجی ها و نیروهای دولت پوشالی به حساب می آید و تقریباً هر روز از آن گزارشاتی مبنی بر انفجار بم و مین در رسانه ها به چاپ میرسد. این شهر از طرف شب در اختیار دو طرف بوده و به این خاطر بخشی از پولداران و تاجران که همیشه مورد باج دهی طالبان قرار میگیرند، فراری شده به کابل، هرات و یا کوپته رفته اند و مقامات ارشد دولتی هم در پناه امنیت کامل نیرو های پولیس و یا خارجی شب را

به صبح میرسانند و تمام دفاتر انجمن و سازمان ملل درین شهر مسدود میباشد. نیرو های خارجی اکثر شان در پایگاه میدان هوایی قندهار به سر میبرند و طالبان قادر به مقابله با این پایگاه نیستند.

کمپنی ها امنیتی:

بعد از اشغال افغانستان به وسیله امپریالیست های اشغالگر، کمپنی های متعدد امنیتی در افغانستان راه پیدا کرده تا اینکه بالاخره ۲۶ کمپنی خارجی و ۲۶ کمپنی داخلی ثبت و راجستر شدند. اما این کمپنی ها در کنار خود، گروه های متعددی داشته که در رأس کمپنی های داخلی بیشتر زورمداران گذشته قرار دارند. برادران کرزی، برادران فهیم، فرزندان رحیم وردک وزیر دفاع و فرزندان مجددی در تأسیس این کمپنی ها نقش مهم داشته و در میان کمپنی های خارجی بلک و اتر مشهورترین آنها میباشد. نیرو های ضربتی قندهار که یکی از کمپنی های مخوف قندهار است زیر اداره احمدولی کرزی قرار داشته و ازین طریق به زور گوئی ها و باج ستانی ها دست میزند و کاروان های مواد مخدر را با این نیرو ها تا مرز ایران و پاکستان انتقال میدهد. مطیع الله خان در ارزگان که سه هزار مرد مسلح در اختیار دارد نیز با جان محمد خان و احمدولی در تماس بوده و ماهانه ملیون ها دالر از درک انتقال مواد لوژستیکی نیرو های هالندی درین چند سال به دست آورده و حال با امریکائی ها و استرالیائی ها قرار داد کرده و از آنها پول میگیرد. این کمپنی ها در شرایط کنونی بیشترین مقدار پول های خارجی را به دست آورده و با طالبان نیز در سازش قرار دارند. اینان به عنوان گروه های خود سر و زور گو هر چه دلشان بخواهد انجام میدهند و دولت بر آنها کوچکترین کنترولی ندارد و خارجی ها نیز به خاطر ایجاد بینظمی بیشتر و از آب گل آلود ماهی گرفتن این کمپنی ها را تقویت میکنند.

اما سه روز قبل کرزی اعلان کرد که باید هرچه زود تر این کمپنی ها منحل گردند و قدرت هرچیز به نیرو های امنیتی افغانستان سپرده شود. اینکه این فرمان او چقدر اثر گذار خواهد بود، همه میدانند که حرف های کرزی برای بادران اشغالگر او به اندازه پشیزی ارزش نداشته و کسی نمیتواند این کمپنی ها را از جای شان بیجا بسازد. درین حال یکی ازین کمپنی ها که «افغان گروپ» نامیده میشود و رهبری آنرا ظاهراً شخصی به نام روح الله به عهده دارد و یکی از جنایتکاران به نام قندهار است و خودش اعتراف کرده که سی نفر از اعضای خانواده اش را به قتل رسانده، با این اعلان کرزی دریک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و گفت که بناء به خواست رئیس جمهور بعد ازین گروپ امنیتی نخواهد داشت، درحالیکه در ماهیت کار او با احمدولی هیچ تغییری به وجود نیامده و او بعدازین هم به جنایاتش ادامه میدهد، این استعفاء در حقیقت یکی از شگرد های کرزی است که همه میگفتند اول از خانواده خود شروع کن و با این اعلان روح الله از خانواده او ظاهراً دیگر کمپنی امنیتی در اختیار ندارد!!

تلفات ناتو در افغانستان افزایش یافت:

با عملیات های انتحاری و انفجاری طالبان و مخصوصاً جنگ مین که از شروع سال پیشتر در برابر نیرو های خارجی از سوی طالبان شروع شد، اینک در هفت ماه سال جاری تعداد تلفات ناتو در افغانستان به ۴۲۶ تن رسید و ماه های جون و جولای برای عساکر خارجی و مخصوصاً نیروهای امریکائی و انگلیس بیش از جهنمی بود که تا حال قادر به کنترل آن نشده اند. این تلفات در حالی سر به بیش از چهار صد نفر میزند که در سال گذشته ناتو فقط ۵۲۰ کشته در افغانستان داشت، در حالیکه اگر جنگ و کشتار بر منوال کنونی تا آخر امسال حرکت کند، این تلفات خود را به هزار نزدیک خواهد کرد و افغانستان را لاشه های اشغالگران پر خواهد نمود.